

استاد ممنوع القلم

فلسفه وجود و منشأ خلقت

جلد دوم

تجزیه و تحلیل "پرهان حدوث" اسلامیان برای اثبات وجود الله
خالق مورد ادعایشان

فلسفه وجود و منشأ خلقت

جلد دوم- تجزیه و تحلیل "برهان حدوث اسلامیان برای اثبات وجود الله خالق مورد ادعایشان
1396 شمسی برابر با 2018 میلادی

فهرست مطالب

سرآغاز

5

- (1) ادعای وجود خدای خالق مردود است 5
- (2) دگرگونی قرآن وجود الاله ناممکن تورات را ناممکن تر ساخت 9
- 1- الاله تورات در قرآن به عاریت گرفته شد 9
- 2- دگرگونی چهره الاله به عاریت گرفته شده در گردباد سیاست و حکومت اسلامی 13
- (3) چرا به مدعیان اثبات وجود خدای خالق مورد ادعا فرصت بیان می‌دهیم 21

فصل آغازین- ایمان دینی با دلیل و منطق سازگاری ندارد 29

- (1) اینان ایمان کورکورانه می‌طلبند 29
- (2) خدا وجود دارد به این سبب که وجود دارد! 31
- (3) قرآن به نتایج و نه به علل و چرایی وجود خدای مورد ادعا می‌پردازد 35
- (4) چرا منکران علم و منطق برای اثبات الاله مورد ادعایشان به "برهان منطقی" متوسل میشوند 41
- (5) اینان همان ایمان دینی کورکورانه را در زرورق دلیل و منطق می‌پیچند 43

فصل اول- "برهان حدوث" تقلای ورشکسته متکلمان اسلامی برای اثبات وجود الله مورد ادعایشان 47

47

مقدمه

- (یک) عوامفریبی‌های مخفی شده در "قیاس" به ظاهر منطقی اسلامیان 49

دو) توضیح افزوده تر در مورد نادرستی گزاره های غیرمنطقی "برهان حدوث"

61

سه) "برهان حدوث" به جای اثبات به ردّ وجود الله مورد ادعا منجر میشود

69

فصل دوم- دور باطل تقسیم بندی هستی و ادعای ناممکن "الاه واجب الوجود"

73

یک) ادعای غیرمنطقی "الله واجب الوجود" مردود است

دو) ادعای "ممکن الوجود" بودن اشکال مختلف هستی نیز زیر سؤال است

85

90

- جمعبندی یک

93

سه) ادعای ترم "ممتنع الوجود" نافی وجود الله مورد ادعاست

97

- جمعبندی دو

101

نتیجه گیری و جمعبندی

سرآغاز

1) ادعای وجود خدای خالق مردود است

در جلد اول این کتاب ثابت شد و نتیجه گرفتیم که ادعای وجود خدا، چه به عنوان نیروی فوق بشری یا خالق هستی و انسان، هم به طور منطقی، هم از نظر عقلانی و هم بر اساس داده های علمی ادعائی ناممکن و مردود است. در واقع،

1. نه به طور منطقی دلیل و توضیحی برای وجود خدای خالق که ادیان خدایپرست به عنوان حقیقت محض به توده های میلیاردردی جهان میفروشد، وجود دارد.

2. نه به طور عقلانی می توان وجود موجودی غیرمادی، صرفاً ذهنی و رها از زمان و مکان را توضیح داد.

3. و نه دلایل و شواهد علمی احتمال وجود یک چنین موجود غیرقابل رؤیت، و غیرقابل تجربه و تماس را تأیید میکنند. تأیید نمی کنند که هیچ، بلکه حتی همه دلایل و دستاوردهای علمی در جهت نفی وجود یک چنین موجود ذهنی مورد ادعاست.

داده های رشته های مختلف علوم، از آنجمله علوم انسانی و اجتماعی همه نشان میدهند که انسان هوشمند همسایین نه مخلوق، بلکه خالق خدا و خدایان است. در جلد اول این کتاب توضیح دادیم که چرا و چگونه انسان تنها و گرفتار آمده در این جهان ناشناس نسبت به شرائط و نیازهای

تاریخی و جغرافیائی اش این موجود و موجودات ذهنی را به وجود آورده تا از تنهائی و بیکی برهد، حمایت بجوید و به سؤالات فلسفی و نوع فلسفی اش پاسخی در خور بدهد. وی اما بعداً به علل مختلف به تبعیت نهادهای زمینی این خدایان و موجودات ساخته و پرداخته اش در آمده و گام به گام از فرماندهی خدایان ذهنی اش به بندگی شان فروغلطیده است.

البته ادیان مختلف با توضیحات افزوده شان سعی میکنند به خدای مورد ادعای شان لباسهای عامه پسندتری ببوشانند، ولی دیدیم که این توضیحات و تعاریف هر چه میخواهند باشند، هیچ تغییری در عدم صحت این ادعا به وجود نمی آورند. بدین معنی، وجود یک چنین هستی ناممکن، فارغ از هر توضیحی کماکان ناممکن است و تغییر دادن توضیحاتی در مورد شکل و شمائل یا توان و حوزه عملکردش این ناممکن را ممکن نمیسازد.

بررسی های موجود نشان میدهند که خدای تورات نیز همچون سمبل نیازهای قبیله و قبائل قوم یهود خلق شده و توضیحات افزوده ای که بعداً به وی نسبت داده اند، چیزی نیستند جز خاطرات و حکایات فراتاریخی اتفاقاتی که در خاستگاه جغرافیائی این قوم و اقوام دور و نزدیکش به وقوع پیوسته است. بررسی تاریخی شکل گیری خدای واحد قوم یهود به صراحت نشان میدهد که چگونه قصه ها و اسطوره های دیرینه این قوم و اقوام دور و نزدیک منطقه در شکل نهائی اش به صورت ادعاها و تعلیمات دینی کتابهای عهد عتیق و تورات در آمده است.

این بررسی همچنین نشان میدهد که خدای تورات نیز همانند هر خدای مورد ادعای دیگر، مخلوق انسان و نیازمندی هایش است و در طول زمانی

طولانی برای پاسخ به نیازهای اجتماعی، اقتصادی و فلسفی انسانها، قبائل و اقوام مربوطه شکل گرفته است. خود کتاب تورات که ادعای وجود این هستی ذهنی دیرینه را به ادیان بعدی مسیحیت و اسلام به ودیعه نهاده، بر خلاف این ادعا که به طور یکپارچه از سوی یهوه، خدی خالق مقیم آسمان نازل شده، کتابی است که در طول زمان درازی و ناگزیر به دست انسانها و نسل های فراوانی نگارش یافته است. داده های تاریخی این واقعیت را به اثبات می‌رسانند. برای نمونه، قید نام پادشاه ایران کوروش به صورت سیروس در تورات نشان میدهد که این کتاب مثلاً آسمانی حتی در حدود 1500-1000 سال پس از ادعای نزول آغازین اش در حال نگارش، بازنگاری و تکمیل بوده است.

2) دگرگونی قرآن وجود الاله ناممکن تورات را ناممکن تر ساخت

1- الاله تورات در قرآن به عاریت گرفته شد

الله خالق که قرآن از آن بحث میکند چیزی جز تکرار ادعاهای این چینی تورات و سایر گروههای پراکنده در شبه جزیره عربستان نیست. محمد در سالهای اول دعوتش در مکه آیه پشت آیه می آورد که اسلام چیزی جز بیان عربی ادیان یهودی و نصاری، و قرآن نیز جز برگردان عربی کتابهای پیشین نیست. آیات فراوانی در قرآن همچنین مدعی اند که الله مورد ادعای محمد نیز جز الاله کتابهای تورات و عهد عتیق نیست. به بیان قرآن، اساساً کتاب¹ قرآن برای آن نازل شده که کتابهای از قبل آمده یهودی و نصاری به زبان عربی نبودند، و گرنه با وجود آنها، نه نیازی به قرآن و نه به دین اسلام می بود²:

¹ قرآن برای اولین بار پس از فوت رسول و در زمان خلیفه ابوبکر، جمع آوری و به صورت کتابی دوجلدی مصحف درآمد. با این وجود، آیات قرآن، از همان آغاز، مطالب نازل شده را با عنوان "کتاب" مورد خطاب قرار دادند. چرا؟ این عمل می توانست علل مختلفی داشته باشد. از آنجمله، همانگونه که پروفیسور رضا آیرملو در نیمه دوم جلد اول کتاب "قرائت قرآن غیردینی" خود نشان داده (2006، سوئد)، به کار بردن کلمات مناسب و نامناسب فراوان برای نامیدن یک شیئی یا یک مورد و موضوع معین از جمله از ویژگیهای کتاب قرآن است. به جز این، دیدیم که بنا به ادعای نادرست مورد بحث، کتاب تورات از همان آغاز به طور یکجا و به صورت کتاب نازل شده بوده (که نشده بود!). از این رو نیز، در زمانی که همه هم و غم محمد صرف آن می شد که همانندی آیات خود با آیات نازله موسی را جا بیاندازد، نامگذاری آیات منفرد اولیه اش به "کتاب" میتواندست برای اثبات این همانندی و در نتیجه، اثبات الهی و آسمانی بودن آیاتش مؤثر بوده باشد.

آیاتی هم، همچون آیه 84 سوره القصص، مدعی یکسان بودن کتابهای تورات و قرآن اند. از این روست که آیات مکی، از آنجمله آیه 84 سوره آل عمران، ایمان آوردن به کتابهای عهدعتیق و عهد جدید برای محمد و هوادارانش را فرض واجب شمرده است:

- " بگو: ما به خدا و آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان فرود آمده، و آنچه به موسی و عیسی و پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده ایمان آوردیم، و میان هیچ يك از آنان فرق نمی‌گذاریم، و ما در برابر او تسلیم هستیم. «سوره آل عمران، آیه 84»⁶.

این در حالی است که آیه 37 سوره یونس نیز همانند و یکسان بودن قرآن با تورات را دلیل الهی بودن قرآن معرفی میکند. به بیان دیگر، گویا ادعای آسمانی بودن قرآن از آن نظر صحت دارد که همان حرفهائی را میزند که تورات و انجیل به عنوان کتابهای آسمانی قبلاً زده اند:

- " و این قرآن را نسزد که دروغی ساختگی از سوی غیر خدا باشد، بلکه تصدیق کننده کتابهای پیش از خود و توضیحی

⁶قُلْ أَمَّا بِلَهِ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا وَمَا أَنْزَلَ عَلَىٰ، إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ، وَعِيسَىٰ، وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (آل عمران 84)

بر هر کتاب است، در آن هیچ تردیدی نیست که از سوی
پروردگار جهانیان است . «سوره یونس، آیه 37»⁷

⁷ وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَى، مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَئِنْ كُنْتَ تُصَدِّقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ
الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (يونس 37)

2- دگرگونی چهرهٔ اله به عاریت گرفته شده در گردباد سیاست و حکومت اسلامی

این ادعاها و آیات وابستگی به یهودیت البته زمانی نگذشت که به فراموشی سپرده شدند و با تشکیل حکومت اسلامی و جنگ با یهودیان مدینه جای خود را به آیات دیگری دادند. آیات جدید اما گام به گام بر قامت اله آسمانی به عاریت گرفته شده از تورات، لباس سیاست و قدرت زمینی بیشتری پوشانیدند، به طوری که به زودی مصالح سیاسی حکومت اسلامی در مدینه بر ادعاها و دعوت‌های دینی آیات آغازین مکی خط بطلان کشیدند.⁸

در جریان این دگرگونی و هرچه عمده تر شدن عنصر سیاست و حکومت، منزلت و رابطهٔ پیامبر اسلام نیز، هم با خدا و هم با "بندگان خدایش" رو به تغییر نهاد و خدا از خالق یکتای فرابشری به شریک و حامی حکومت اسلامی تنزل مقام یافت.

در آغاز دعوت ایمان آوردن به الله واحد، شرط اساسی و تنها شرط اساسی دین جدید بود. در آیات آغازین این دوره، خدای یکتا، قابل مقایسه

⁸ برای اطلاعات بیشتر ر. ک. به:

- 1- علی دشتی، 23 سال، ویرایش بهرام چوبینه، انتشار اینترنتی. 4.
- 2- کتاب پروفیسور شجاع الدین شفا، "پس از هزار و چهارصد سال"، نشر فرزاد، اسپانیا.
- 3- جلد‌های سه گانهٔ کتاب پروفیسور رضا ایرملو، "قرائت قرآن غیردینی"، جلد‌های سه گانه، 2006، 2007 و 2008، سوئد.
- 4- پطروشفسکی، اسلام در ایران، ترجمهٔ کریم کشاورز، 1354، انتشارات پیام تهران.

با هیچ موجودی نبود و وصول به دین، فقط با ایمان به او تحقق می یافت. در این دوره حتی محمد جز "بنده ای نجات یافته" از سوی خدا نبود:

- "و تو رادر بیابان مکه ره گم کرده یافت و ره نمائی کرد"⁹
(سوره ضحی، آیه 7).

- "... و تو پیشتر نمی دانستی کتاب چیست و ایمان چیست
..."¹⁰ (سوره شورا، آیه 52).

وی حتی با وجود گزینش و هدایت خدا، هنوز هم در برابر دوراهی انتخاب با خطر انحراف رو به رو بود:

- "... و اگر پسر از علمی که بر تو نازل شده است، از هوی و هوس آنان
پیروی کنی، در برابر خداوند باور و نگهدارنده ای نداری"¹¹ (سوره
الرعد، آیه 37).

در این آیات، محمد هیچ نقش، وظیفه و مزیتی جز رسالت و ابلاغ حکم خدا نداشت. به طوری که 47 آیه قرآن بر این تأکید داشتند که وی جز ابلاغ رسالت خود هیچ وظیفه ای ندارد و 27 آیه قرآن برای این مورد نازل شده بودند تا یادآوری کنند که وی پیامبری بیش نیست و از نظر قبول یا رد پیامش هیچ مسئولیتی به گردنش نیست¹². بدین معنی وی برای هدایت مردم به دین اسلام:

- نه می بایست حکومتی تشکیل بدهد و،

⁹ قرآن ترجمه حسین محی الدین الهی قمشه ای.

¹⁰ قرآن ترجمه بهالدین خرمشاهی.

¹¹ قرآن ترجمه بهالدین خرمشاهی.

¹² پروفیسور شجاع الدین شفا، پس از 1400 سال، جلد اول، پیشین، ص 317.

- نه لازم بود جنگ راه بیان‌دازد یا به شمشیر و جهاد رو آورد.
از این رو، وی در آیاتی حتی از دخالّت در امور "بندگان خدا" نهی می‌شد:

- "(ای پیغمبر) هدایت آنان بر عهده تو نیست، بلکه خداوند هر کی را که بخواهد هدایت می‌کند؛ ..."¹³ (سوره بقره، آیه 272).

- "(ای پیغمبر) اختیار این کار با تو نیست، چه (خداوند) از آنان در گذرد، چه عذاب شان کند، چرا که ستمکارند"¹⁴ (سوره بقره، آیه 128).

- "پس اگر رویگردان شدند (بدان که) ترا نگهبان ایشان نفرستاده ایم؛ بر تو جز پیامرسانی نیست ..."¹⁵ (سوره شوری، آیه 48).

- "پس تو ای پیغمبر ایشان را تذکر بده که وظیفه تو تنها همان تذکر است، و گرنه تو بر آنان تسلطی نداری، تذکر را هم تنها به کسانی بده که تذکر پذیرند. نه آن‌ها که اعراض کرده و کفر ورزیدند. که خدا آن‌ها را به عذاب اکبر قیامت شکنجه خواهد کرد. آری محققاً به سوی ما می‌آیند و حساب شان به عهده ماست"¹⁶ (سوره غاشیه، آیه 26-21).

وی نه فقط از تشکیل حکومت و امر به جهاد و جنگ منع میشد، بلکه مجاز به برداشتن قدمی فراتر از تبلیغ و دعوت هم نبود:

¹³ قرآن ترجمه بهالدین خرمشاهی.

¹⁴ قرآن ترجمه بهالدین خرمشاهی.

¹⁵ قرآن ترجمه بهالدین خرمشاهی.

¹⁶ قرآن، ترجمه تفسیر المیزان.

- "پس با وجود این همه نعمت الهی اگر باز روی از خدا بگردانند ای رسول ما بر تو تبلیغ رسالت و اتمام حجت سبب نیست" ¹⁷ (سوره النحل، آیه 82).
- "ما به گفتار مردم داناتریم و تو بر آن مردم حیار و مسلط نیستی. پس هر کسی که از وعده عذاب قیامت ترسان است به آیات قرآن متذکر ساز" ¹⁸ (سوره قاف، آیه 45)
- "اگر خدا می خواست شرک نمی کردند، ما ترا نگهبان نکرده ایم و عهده دار امور ایشان نیستی" ¹⁹ (سوره انعام، آیه 107).

این شکل خطاب قرآن و خدا به رسول اما، بعداً به خصوص با تشکیل حکومت اسلامی در مدینه کفایت نکرد، چرا که تبعیت از رهبر اسلام از نظر سیاست و حکومت دینی رسول ضروری شده بود. از آن رو، طبق آیات جدید مدنی، تبعیت از رسول به شرط تکمیلی ایمان به الله واحد تبدیل شد.²⁰ از آن پس، آیات قرآن به جای تبلیغ "ایمان به خدا"، تبعیت از "خدا و رسول" را عمده کردند²¹ و ایمان به رسول را نیز جزو شرط و شروط مسلمانی اعلام کردند. بدین ترتیب، دیگر راه ایمان به خدای واحد، جدا از

¹⁷ قرآن ترجمه حسین محی الدین الهی قمشه ای.

¹⁸ قرآن ترجمه حسین محی الدین الهی قمشه ای و قرآن ترجمه بهالدین خرمشاهی.

¹⁹ قرآن ترجمه تفسیر المیزان.

²⁰ ر. ک. به کتابهای مربوطه در زیرنویس شماره 8.

²¹ پیشین.

راه حکومت پیامبر نبود²² و عبور از این راه بدون تبعیت بی چون و چرای سیاسی- نظامی از رسول امکان نداشت²³.

در ضمن، در این جریان، مسلمانان که در برابر فرامین و احکام خدا صاحب هیچ حق رأی و گزینشی نبودند، در برابر تصمیمات پیامبرشان نیز هرگونه حق رأی و گزینش شان را از دست دادند. به طوری که مخالفت با دستورات پیامبر، در ردیف مخالفت با فرامین خدا قرار گرفتند و مرتکبین به آن با آتش جهنم تهدید شدند:

- "هر که رسول را اطاعت کند خدا را اطاعت کرده و هر که مخالفت کند (کیفر مخالفتش با خداست) ..."²⁴ (سوره النساء، آیه 80).

- "و هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد که چون خداوند و پیامبرش امری را مقرر دارند، آنان را در کارشان اختیار (و چون و چرایی) باشد، و هر کس از امر خداوند و پیغمبر او سرپیچی کند در گمراهی آشکار افتاده است"²⁵. (سوره احزاب، آیه 36).

- "آیا ندانسته اند که هر کی با خدا و پیامبر او مخالفت ورزد، آتش جهنم نصیب اوست که جاودانه در آن می ماند، این خفت و خواری بزرگی است"²⁶ (سوره توبه، آیه 63).

²² در مورد محدودیت رسالت محمد ر. ک. به آیه 45 سوره قاف، آیات 6 و 48 سوره شوری، آیه 35 سوره احقاف، آیه 18 سوره عنکبوت، آیه 65 سوره ص، آیات 35، 82 و 125 سوره نحل، آیه 106 سوره انبیاء، آیه 52 سوره ابراهیم، آیه 17 سوره یس، آیه 23 سوره جن و سایر.

²³ ر. ک. به جلد دوم "قرائت قرآن غیر دینی"، "تغییر منزلت رسول" صفحه 176،

پیشین.

²⁴ قرآن ترجمه حسین محی الدین الهی قمشه ای.

²⁵ قرآن ترجمه بهالدین خرمشاهی.

²⁶ قرآن ترجمه بهالدین خرمشاهی.

از آن پس، هر چه زمان گذشت و حکومت اسلامی بیشتر رو به سوی پیروزی و توسعه پیش رفت، آیات بیشتری، بر این روند رو به رشد مقام و منزلت پیامبر، چه در رابطه با مقام خدائی خدا، یا در برابری با حق "بندگان" تأکید کردند²⁷. این تحول از دین به سیاست، بعداً تا به جائی رسید که بیعت با رسول معادل و نیمه تکمیل کننده بیعت با خدا به حساب آمد:

- ای مؤمنان به خداوند و پیامبرش و ... ایمان بیاورید!²⁸ (آیه 136 سوره النساء).

- "بیگمان کسانی که با تو بیعت می کنند، در واقع با خدا بیعت می کنند ..." ²⁹ (سوره الفتح، آیه 10).

در ادامه این پروسه افزایش مستمر مقام محمد در برابری با مقام الله خالق مورد ادعا بالاخره کار به جائی رسید که طبق آیاتی الله اکبر و واحد مورد بحث همراه با همه فرشتگانش برای ادای احترام به این "قبلاً بنده قبلاً از گمراهی نجات یافته (آیه 52 سوره شوری)" صف ایستادند و سلام و صلوات فرستادند. در این آیه، به "بندگان مؤمن" نیز حکم صادر شد تا آنان نیز به خدا تاسی جویند و با تعظیم و اجلال به پیامبرشان سلام کنند و تسلیمش شوند:

- "خدا و فرشتگانش بر پیغمبر صلوات و درود می فرستند؛ شما هم ای اهل ایمان بر او صلوات و درود بفرستید و با تعظیم و اجلال برو سلام گوئید و تسلیم شوید"³⁰ (سوره احزاب، آیه 56).

²⁷ آیه 52 سوره نور؛ آیه 71 سوره احزاب؛ آیات 10 و 17 سوره الفتح، آیات 13 و

14 سوره النساء و سایرین

²⁸ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَ ...

²⁹ قرآن ترجمه بهالدین خرمشاهی.

³⁰ قرآن ترجمه محی الدین الهی قمشه ای و قرآن ترجمه بهالدین خرمشاهی.

می بینیم که این دگرگونی در قدرت و توان رسول در برابری با خدای خالق، وی را از بنده ای که صرفاً برای کار رسالت و ابلاغ خدائی خدا مأمور شده بوده، به عنصر مقدسی که تقدس اش، قائم به ذات و «غیر قابل سلب» بوده، تبدیل کرد. این دگرگونی، از این رو، به تنهایی تغییر بزرگی در بینش یکتاپرستی اسلام آغازین ایجاد کرد، چرا که اسلام آغازین با شعار "لا اله الا الله" هر گونه شباهت و مشابهت با خدا را نفی می کرد و کفر می خواند. اسلام آغازین حتی اعراب الله پرست را به صرف آن که باور داشتند که بت ها می توانند در پیش خدا شفاعت بکنند، کافر می خواند. آیات این دوره باوری را که فرشتگان را دختران خدا فرض می کرد، با کفر به خدا برابر سازی می کرد و بعداً حتی اهل کتاب را به سبب شریک قرار دادن موجودات زمینی با خدا، گمراه و قابل مجازات می دید. هم از این رو آیات ناظر بر اسلام دوره حکومت اسلامی از طریق مشروط قرار دادن «ایمان به خدا» به «ایمان به پیامبر» (آیه 10 سوره الفتح و آیه 63 سوره توبه)، تحول دینی مهمی را در بینش یکتاپرستی اسلام و قرآن به ثبت رسانید.

دیدیم که این دگرگونی نه فقط محمد را به مقام دوم الاله رسانید، بلکه حتی به وی امکان داد تا به شهادت آیه 14 سوره الحجرات تنها شرط اساسی ایمان به خدا برای پذیرش مسلمانی حذف کند و کسانی را که به الاله ایمان نیاورده اند را به صرف اطاعت و تبعیت از وی و حکومتش در صف اسلام قرار دهد:

- «اعراب بادیه نشین به تو گفتند ایمان آوردیم. بگو: نه، «ایمان» نیاورده اید، ولی بهتر است بگوئید «اسلام» آورده ایم. چون هنوز ایمان در دل های شما داخل نشده و (با این وجود) اگر از خدا و

پیامبر او اطاعت کنید، چیزی از (پاداش) اعمال تان نمی‌کاهد
... " 31

بدین ترتیب، با ادامه حکومت اسلامی رسول و بروز نیازهای جدید سیاسی- نظامی در مدینه، "اسلام" به معنی تسلیم و تبعیت سیاسی و نظامی، نسبت به اسلام به معنی «ایمان به الله واحد» عمده شد و تبعیت سیاسی و حکومتی را به جای تبعیت دینی نشانید.

در این راستا بود که مصالح سیاسی- نظامی دوره حکومت مدینه و نیازهای روز حکومت اسلامی، بر ادعاهای ناممکن پیشین در مورد خصوصیات الاله خالق به عاریت گرفته شده از تورات تعاریفی افزودند که این ادعای ناممکن وجود الاله خالق را هر چه ناممکن تر ساختند. بررسی قرآن حتی به شرح خلاصه ای که در جلد اول این کتاب آمده به صراحت نشان میدهد که ادعای وجود الله قرآن نه فقط همانند سایر ادعاهای مشابه ادیان پیشین از نظر منطقی و علمی مردود است، بلکه همچنین به خاطر اعمال و رفتار افزوده ای که در قرآن به وی نسبت داده شده، بیش از این حرفها ناممکن و نامحتمل شده است.³²

³¹ قرآن ترجمه تفسیر المیزان و قرآن ترجمه بهالدین خرمشاهی.

³² برای مطالعه این بررسیها، نتیجه گیریها و همچنین علل و دلایل آنها ر. ک. به جلد اول این کتاب.

3) چرا به مدعیان اثبات وجود خدای خالق مورد ادعا فرصت بیان می‌دهیم

به یاد داریم که در جلد اول این کتاب برای بررسی بود و نبود یا احتمال وجود الله مورد ادعای اسلام، فقط قرآن و آیات ملقب به آسمانی اش را مبناء بررسی و کند و کاو قرار دادیم و از مخلوط کردن هرگونه مطلبی که وارثان اسلام محمدی تحت عناوین مختلفی ابداع کرده اند خودداری کردیم. از این رو، در جلد اول این کتاب به هیچ موردی از آنچه حدیث و سنت نام گرفته مراجعه نشده و هیچ تفسیر و تأویلی را برای نیل به مقصود مورد مراجعه قرار نداده است. این گزینش یعنی مبنا قرار دادن قرآن به عنوان کتاب آسمانی و دوری گزیدن از مراجعه به هرگونه دستاورد بشری که برای اصلاح و تکمیل قرآن نگاشته شده، فقط برای آن نبود که منابع دینی و شرعی ساخته و پرداخته اسلامیان از پایه بی اعتبار و غیرقابل مراجعه اند³³. در حقیقت، این نقائص زیربنائی، بررسی داده ها و احکام قرآن را از بررسی داده ها و احکام غیرقرآنی متمایز نمی سازند، چرا که قرآن نیز به خاطر نقائص و تعارضات عدیده اش اساساً نه قابل مراجعه و

³³ برای اطلاعات بیشتر ر. ک. به زیرنویس ص 14 همین کتاب.

نه قابل استخراج حکم است³⁴. این گزینش بلکه به علل چندی بستگی داشت که الهی فرض شدن آن از سوی همه مسلمانان از آن جمله بود. دیدیم که به باور عمومی مسلمانان، قرآن کتاب الاله خالق است و از سوی وی آمده است. آیات قرآن حداقل از نظر ظاهر نظم و نثرشان تنها متون مورد توافق فرق مختلف اسلامی اند. همه فرق اسلامی معتقد اند که همه آیات قرآن از سوی الله خالق ناپیدا، آنهم از آسمان نازل شده، و به تمامی مقدس و لازم الاجرايند. در نتیجه، هیچ دیندار و فرقه اسلامی، مگر از راههای تحریف و تفسیر معانی آیات، نه می توانند این آیات ملقب به آسمانی را انکار بکنند و نه در مورد صحت آنها تردیدی به خود راه بدهند.

گزینش بررسی قرآن به جای بررسی سایر دستاوردهای بشری برای پیشبرد مطالعات دینی جلد اول کتاب همچنین بر این اصل متکی بود که بر اساس تعلیمات دینی فرق مختلف اسلامی هر آنچه در قرآن آمده "کلام الله" است. خدای قرآن در آیاتی حتی ادعا میکند که این آیات از کتاب "ام الكتابی" که فقط در اختیار اوست، انتخاب و برداشت شده اند³⁵. این باور جمعی و جاافتاده که مستقیماً از ادعاهای آیات قرآن ناشی می شوند، به این معنی اند که محتوای قرآن و آیاتش به تمامی صحت دارند³⁶. این ادعا همچنین بدین معنی هم هست که:

- نادرستی متون این کتاب و آیاتش مستقیماً بر عدم صحت وجود نازل کننده آنها دلالت می کنند.

³⁴ ر. ک. جلد سوم "قرائت قرآن غیردینی، پیشین.

³⁵ ر. ک. به آیات 22-21 سورة البروج، آیه 4 سورة الزخرف، آیه 59 سورة انعام، آیات 80-78 سورة الواقعة و سایر.

³⁶ با آنکه قرآن در آیاتی این ادعا را مردود می شمارد.

از این رو، می توان از طریق ارزیابی صحت محتوا و داده های قرآن و آیاتش:

- 1- هم در مورد صحت یا عدم صحت این ادعا که این کتاب واقعاً کتابی نازل شده از سوی هستی بی فرابشری است رأی داد و،
 - 2- هم از این طریق در مورد بود و نبود و وجود الله خالق مورد ادعائی که این آیات را نازل کرده اظهار نظر کرد.
- دیدیم که این بررسیهای متکی به داده های قرآن نشان داده و می دهند که:
- وجود الاله خالق مورد ادعای قرآن و آیاتش نه ممکن و نه محتمل است.³⁷

اما حالا که به دلائل عدیده نتایج بررسی آیات قرآن را به صورت ناممکن بودن وجود چنین الله خالق مورد ادعا به ثبت رسانیده ایم، می توانیم پله ای از سلسله مراتب دینی پائین برویم و نگاهی هم به ادله اسلامیان در مورد اثبات وجود الاله مورد ادعایشان بیاندازیم.

این بررسی نشان میدهد که این متعصبان دیندار و دینساز چگونه میتوانند برای اثبات وجود الاهی که هیچ دلیل علمی و عقلانی برای وجود و هستی اش ندارند، دلیل و برهان جعل بکنند. این همچنین نشان میدهد که چگونه فروشندگان بازارهای دینی از هر ترفندی بهره می گیرند تا ادعاهائی را که بر اساس همه داده های علمی، منطقی و عقلانی مردود اند، به عنوان اثباتی برسانند، و با استفاده از انواع و اقسام ترفندهای دینی و شرعی شان، اینگونه دلیل تراشیهای بدون دلیل و

³⁷ برای توضیحات بیشتر و آشنائی با دلائل مورد بحث ر. ک. به جلد اول این کتاب.

منطق‌شان را به صورت دلیل و برهان اثباتی به خورد توده های بیخبر بدهند.

این است حالا که بررسی و مقایسه آیات قرآن در جلد اول این کتاب با دلایل عدیده عدم احتمال وجود الله خالق مورد ادعا را به ثبت رسانیده اند، هیچ ایرادی نمی بیند که نگاهی هم به ادله مدعیان اسلامی در مورد اثبات وجود الله مورد ادعایشان بیندازیم و برای شناخت ماهیت این برهان ها و صحت یا عدم صحت این برهانها بکوشیم.

بکوشیم تا شامل ضرب المثل تنها به قاضی رفتن نشویم.

بکوشیم تا هم به باور و یقین مان به آزادی بیان و دگراندیشی لباس عینی بپوشانیم و هم به خوانندگان مان امکان بدهیم تا با مقایسه هر دو سوی این رد و اثبات الاله مورد ادعا بتوانند به عینه ببینند که کدام حرف و ادعائی منطقی و علمی است و کدام نیست. کدام ادله ای درست و پذیرفتنی و کدام نادرست و ناممکن است و چرا؟

بکوشیم و بگذاریم در این مصاف منطق و ادله "تا سیه روی شود هر که در او خس باشد".

این است که نه فقط از تکرار مواردی که متکلمان اسلامی به عنوان **برهانهای اثباتی الله خالق** تبلیغ میکنند منعی نمی بینیم، بلکه حتی ذکر آنها را لازمه برخورد اندیشه ها و پایه ای برای آزادی بیان و افکار و اندیشه ارزیابی می کنیم. ارزیابی می کنیم، چرا که میدانیم علم و فلسفه هم محصول و هم لازمه آزادی بیان اند. و این مهم نیز جز از طریق ایجاد فرصتهای برابر برای مطرح کردن همه نظریات مخالف و موافق، درست و نادرست، و همچنین منطقی و غیرمنطقی تأمین نمی شود.

در واقع، فرق علم و دانش با جهل و جهالت از جمله در شیوه ای است که حامیان اینها علیه مخالفانشان به کار می برند. علم و فلسفه نه فقط از هرگونه سانسور، تهدید و مجازات دگراندیشان دوری می گزینند، بلکه حتی شیوه های سرکوبگرانه دشمنانشان را نه با سرکوبگری متقابل، بلکه با روشنی و روشنگری بیشتری پاسخ می دهند.

هم از این رو هم هست که علم و فلسفه در طول قرنهای متمادی پرچم رهائی بشر از سیطره بانیان جهل و جهالت را به دوش کشیده اند و عالمان و فیلسوفان بهای سنگین آنرا با جان و مال شان پرداخت کرده و میکنند.

در هر حال، با وجود این آگاهی ها نه فقط از مطرح کردن ادعاها و به اصطلاح برهانهای آنان برای اثبات الله خالق مورد ادعای شان خودداری نمی کنیم، بلکه حتی تا میتوانیم این دلایل و برهانها را توضیح میدهیم. توضیح میدهیم و در برابری مستقیم و متقابل با منطق فلسفی و علمی قرار میدهیم تا معلوم شود چه مواردی از این ادعاها درست و منطقی، و چه مواردی نادرست و غیرمنطقی اند. چه مواردی به ظاهر منطقی از اساس غیرمنطقی و نادرست اند، و چه مواردی جز ادعاهای توخالی و عوامفریبی های پیچیده شده در زرورقهای گول زننده منطق و برهان نیستند. و مهم تر از همه، تا معلوم شود که آیا این حرفها و برهانها وجود الله خالق مورد بحث شان را به اثبات می رسانند، یا همانند بسیاری از تقلبات تبلیغاتی اسلامیان نتایج برعکس داده و حتی به ناممکن بودن وجود چنین موجود ادعائی منجر میشوند.

لازم به یادآوری است که این دلیل تراشی های متکلمان اسلامی برای اثبات الله مورد ادعایشان نه جدید اند و نه برای اولین بار مطرح می شوند. این

حرفها بلکه به صورت انواع و اقسام ادعاها و برهانهای عوامفریبانه هر روز و ساعت و دقیقه از طریق هزاران و صدها هزار رسانه های جمعی، بلندگوهای مساجد و منابر چهارگوشه جهان بر فکر و ذهن توده های استعمارزده و فتح شده باریده و می بارند. اینها همان هائی اند که کتابهای درسی فرزندان این جامعه و جوامع اسلامی پس افتاده از قافله تمدن جهانی را پر کرده اند و به صورت افکار مسموم کننده جوامع مسلمان نشین در ذهن و جان توده های ما ضایعه های عمیقی را سبب شده و میشوند. همانهایی اند که در صدها کتاب مسموم کننده مورد اشاره علی دشتی تکرار شده و افکار این ملت و ملتها را به تباهی میکشند:

- "صدها کتاب چون «حلیه المتقین» و «جنات الخلود» و «انوار نعمانی» و «مرصاد العباد» و «قصص الانبیاء» و «قصص العلماء» در ایران هست که تنها یکی از آنها برای مسموم کردن و تباه کردن افکار ملتی کافی است.³⁸

بر این اساس در زیر دلایل و برهان هائی را می آورد که انواع و اقسام شریعت سازان اسلامی، از مفسر و متکلم تا محدث و عالم دینی، برای اثبات الله مورد ادعای شان مطرح می سازند. امید آن را دارد که خوانندگان کتاب، بدینوسیله:

- هم به کنه مطالب و ادعاهای عوامفریبانه ولی جاافتاده این مدعیان پی ببرند و،

³⁸ علی دشتی، 23 سال، پیشین.

- هم برای یکبار هم که شده، رها از هرگونه سانسور و سرکوب دینی، در مورد صحت منطقی این برهانهای ساختگی در مورد اثبات وجود الله مورد ادعا بیاندیشند!

بیاندیشند و بگذارند بدون ترس از شمشیر خونریز اربابان دینی و اسلامی و همچنین رها از تهدیدات بهشت و جهنم الاهی که مبتکر ظالمانه ترین شکنجه ها و شکنجه گاه هاست، در مورد راست و غلط بودنشان قضاوت بکنند.

